

الف | تل آویو در منگنه

شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۴ دی ۹۵ قطعنامه‌ای صادر کرد که در آن شهرک سازی رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین را محکوم کرد و آن را غیرقانونی خواند. این قطعنامه با ۱۴ رأی موافق و یک رأی ممتنع به تصویب رسید. ایالات متحده آمریکا از حق وتوی خود استفاده نکرد و به آن رأی ممتنع داد.

این قطعنامه از سوی محافل سیاسی جهان تاریخی خوانده شد. فلسطینی‌ها از آن استقبال کردند، رژیم صهیونیستی با حمله شدید به دولت باراک اوباما صدور این قطعنامه را، خجالت آور توصیف کرد و بنیامین نتانیاهو رسماً اعلام کرد از اجرای آن خودداری خواهد کرد.

در پیشینه این قطعنامه نکات مهمی وجود دارد. از جمله می‌توان به پیش‌نویس اولیه آن اشاره کرد که از سوی مصر به عنوان عضو دوره‌ای شورای امنیت ارائه شده بود، اما با فشارهای شدید دولت اسرائیل و شخص نتانیاهو و نیز ورود دونالد ترامپ روی خط مذاکره و برقراری ارتباط تلفنی با ژنرال سیسی رئیس جمهوری مصر، نماینده دائمی مصر در سازمان ملل پیش‌نویس مزبور را پس گرفت، با این حال و به فاصله ۲۴ ساعت دولت‌های نیوزیلند و مالزی با انجام پاره‌ای تغییرات در این پیش‌نویس، آن را برای تصویب به شورای امنیت ارائه کردند.

چنانکه گفته شد، شورای امنیت نیز به تاریخ ۴ دی این قطعنامه را به تصویب رساند. صدور این قطعنامه زلزله شدیدی در پایتخت‌های درگیر ماجرا ایجاد کرد. اروپا از این قطعنامه استقبال کرد، کشورهای اسلامی و عربی و حتی دولت مصر این قطعنامه را تاریخی توصیف کردند و ایالات

متحدہ آمریکا از صدور این قطعنامه جانبداری کرد و جان کری، وزیر خارجه آمریکا چند روز بعد طی سخنان مهمی در توضیح سیاست‌های دولت باراک اوباما در موضوع خاورمیانه خطاب به اسرائیل و نماینده دائمی رژیم صهیونیستی در سازمان ملل متحد که گفته بود هیچ کشوری نمی‌تواند به ما بگوید که در سرزمین خودمان! خانه‌سازی نکنیم، گفت: سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷ متعلق به فلسطینی‌هاست نه اسرائیل و عملیات پیوسته شهرک‌سازی اسرائیل در این مناطق، امکان عملی شدن فرمول دو دولت در یک سرزمین را سلب می‌کند.

همچنین در ایالات متحده آمریکا و از سوی بسیاری از شخصیت‌های مهم این کشور از رفتار دونالد ترامپ رئیس جمهوری منتخب آمریکا در دخالت آشکار در سیاست خارجی آمریکا پیش از ادای سوگند و ورود به کاخ سفید انتقاد شود و این اقدام را به لحاظ عرف سیاسی در دوره انتقالی قدرت بی‌سابقه توصیف کردند، اما موضوع جیمی کارتر رئیس جمهوری اسبق آمریکا در حمایت از این اقدام باراک اوباما جلب توجه می‌کند. وی ضمن حمایت از دولت، از باراک اوباما خواست در مدت باقیمانده دوره ریاست جمهوری‌اش دولت فلسطین را به رسمیت بشناسد و مسئله را تمام کند.

البته جیمی کارتر در گذشته نیز به گونه‌ای آشکار سیاست‌های اسرائیل را در سرزمین‌های اشغالی به باد انتقاد گرفته بود و کتابی در مورد صلح خاورمیانه منتشر کرد که در آن رژیم صهیونیستی را با رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی پیشین مقایسه کرده بود. در واکنش به این قطعنامه شورای امنیت، رژیم صهیونیستی سفرای دولت‌های رأی مثبت داده به قطعنامه شورای امنیت را به وزارت خارجه فرا خواند و رشته اقداماتی را علیه سازمان ملل متحد از جمله قطع حق عضویت در سازمان‌های وابسته به این نهاد بین‌المللی به اجرا گذاشت.

صدور این قطعنامه از سوی شورای امنیت و به طور مشخص نقش آشکار دولت باراک اوباما در آن تحولی مهم در مسئله فلسطین تلقی می‌شود. البته ناگفته نماند که هم این قطعنامه و هم سخنان مهم جان کری وزیر خارجه آمریکا تحت‌الشعاع خبرها و گزارش‌های مربوط به جنگ حلب و آتش بس توافقی مسکو و آنکارا قرار گرفت.

با این حال دولت فلسطین به رهبری محمود عباس و نیز همه سازمان‌های مقاومت فلسطین از جمله جنبش‌های حماس و جهاد اسلامی، خرسندی خود را از این اقدام شورای امنیت و نیز

پیامدهای قانونی آن را پنهان نکردند. نگارنده در این نوشتار می‌کوشد ابعاد این قطعنامه شورای امنیت و نتایج آن را در کشمکش اعراب و اسرائیل مورد بررسی قرار دهد:

۱- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد در محکومیت شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی اگرچه ماهیت مناقشه و کشمکش طولانی اشغال فلسطین را پوشش نمی‌دهد، اما نباید فراموش کرد که این قطعنامه به یکی از پیچیده‌ترین رفتارهای رژیم صهیونیستی از دوره جنگ ژوئن اعراب و اسرائیل و اشغال بیت‌المقدس اشاره می‌کند که در شکل شهرک‌سازی و گسترش آبادی‌های یهودی‌نشین و حفاری‌های گسترده در شرق بیت‌المقدس و ساختن دیوار جداسازی قومی و نابود کردن آثار و میراث فرهنگی و اسلامی منطقه و نیز یهودی‌سازی محیط تجلی پیدا کرد.

ج

در واقع دولت اسرائیل قصد دارد با ایجاد واقعیت‌های جدید در سرزمین‌های اشغالی، امکان هرگونه تغییر در این واقعیت‌ها را در گفت‌وگوهای نهایی با فلسطینی‌ها سلب و در نهایت زمینه را برای برپایی دولت مستقل فلسطین در آینده نابود کند، این قطعنامه به فلسطینی‌ها و البته به کشورهای طرفدار فرمول دو کشور در یک سرزمین امکان می‌دهد، که با اصل قرار دادن این قطعنامه جلو حرکت خزنده رژیم صهیونیستی برای ادامه سیاست‌های یهودی‌سازی سرزمین‌های اشغالی و ایجاد تغییرات دموگرافی در آن را با اتکا به محافل بین‌المللی و سازمان‌های تابعه سازمان ملل از جمله دادگاه بین‌المللی لاهه و دیگر کنوانسیون‌های بین‌المللی از میان بردارند و یا شتاب آن را کاهش دهند، زیرا قطعنامه اخیر شورای امنیت زمینه‌های قانونی رشته اقدامات ضروری را برای مقابله با رژیم صهیونیستی فراهم کرده است.

همچنین همین قطعنامه وقتی سرزمین‌های اشغالی پس از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ را تابع مقررات مربوط دولت‌های اشغالگر می‌داند، به گونه‌ای آشکار به فلسطینی‌ها مشروعیت می‌دهد که با تکیه بر منشور ملل متحد برای آزادسازی سرزمین‌ها دست به مقاومت بزنند و این یک پیروزی بزرگ برای نیروهای مقاومت فلسطین تلقی می‌شود به همین دلیل بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی عدم استفاده آمریکا را از حق وتو خنجری به پشت اسرائیل توصیف کرد.

اینک و در مرتبه نخست، دولت خود مختار فلسطین می‌تواند با اتکا به همین قطعنامه راه‌های قانونی مقابله با سیاست‌های رژیم صهیونیستی را در سطح جهانی دنبال کند. دولت فلسطین در

شرایط کنونی می‌داند که تا چند روز دیگر سیاست‌های کاخ سفید در دوره دونالد ترامپ به کلی تغییر خواهد کرد، اما پشتوانه جهانی دولت خود مختار فلسطین تقریباً بی‌سابقه است. کشورهای اسلامی و عربی در چارچوب مقررات بین‌المللی می‌توانند دولت فلسطین را یاری کنند. تعداد قابل توجهی از کشورهای اروپایی بویژه کشورهای اسکاندیناوی که دولت فلسطین را به رسمیت شناختند در این تلاش‌ها، دولت فلسطین را همراهی خواهند کرد.

همچنین فدراسیون روسیه و چین دو عضو دائمی شورای امنیت در این موضوع در کنار فلسطینی‌ها خواهند بود. این کشورها حتی با هرگونه تلاش بعدی دولت ترامپ برای جبران قطعنامه اخیر شورای امنیت از طریق ارائه طرح‌های جانبدارانه از اسرائیل به شورای امنیت مقابله و از حق وتوی خود استفاده خواهند کرد. در واقع دولت خودمختار فلسطین نباید صبر کند تا سیاست دولت جدید ایالات متحده آمریکا تجلی پیدا کند، زیرا این آمادگی جهانی برای همراهی با دولت خود مختار فلسطین در موضوع آبادی‌های یهودی نشین ممکن است در دوره ترامپ سست شود.

بسیاری از کشورهای اروپایی پیشاپیش از پاره‌ای از سیاست‌های دونالد ترامپ ابراز نگرانی کرده‌اند و این مسئله به سود فلسطینی‌هاست، البته اگر بتوانند از آن استفاده کنند. ممکن است فرصت‌های موجود به این زودی‌ها تکرار نشود.

۳- سخنان اخیر جان کری وزیر خارجه آمریکا در موضوع فلسطین و سیاست‌های رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی را نباید صرفاً در چارچوب رقابت‌های حزبی ایالات متحده و این که چون دولت اوباما در حال رفتن است این اقدام صورت گرفته ارزیابی کرد، زیرا نه جان کری و نه دیگر مقامات کنونی دولت آمریکا هیچکدام از سیاست جانبداری بی‌چون و چرا از اسرائیل برائت نجستند، بلکه حتی جان کری در همین سخنان بسیار مهم خود آشکارا گفت که هیچ دولتی در آمریکا به اندازه دولت باراک اوباما از اسرائیل به لحاظ کمک‌های مالی و تسلیحاتی حمایت نکرده است.

بنابراین و در مورد ارتباط تنگاتنگ امنیت اسرائیل با امنیت ایالات متحده آمریکا و تزلزل آن دچار توهم شویم. موضوع مهم این است که در طبقه نخبگان ایالات متحده تحولاتی در حال

شکل‌گیری است که می‌تواند نقطه آغاز خروج آمریکا از اسارت لابی‌های قدرتمند اسرائیل در این کشور تلقی شود. سخنان اخیر جان کری در موضوع فلسطین بخش اندکی از این تحول را بازتاب می‌دهد. شما اگر به مواضع سنדרز رقیب دمکرات خانم کلینتون در مورد مسائل خاورمیانه توجه کنید و اگر در همین ماجرای صدور قطعنامه اخیر شورای امنیت و عدم استفاده دولت اوباما از حق وتو و واکنش‌های داخلی آمریکا را مورد بررسی قرار دهید، نشانه‌هایی از آشکار شدن گرایش ضرورت اتخاذ سیاست عادلانه آمریکا در مسئله فلسطین را به خوبی ملاحظه می‌کنید.

این تحول در چشم انداز آینده دشواری‌های دولت دونالد ترامپ را در جنبنداری کورکورانه از اسرائیل تشدید می‌کند.

۴- کشورهای عربی در مرتبه نخست و کشورهای اسلامی و سازمان‌های بزرگ جهانی نظیر سازمان همکاری کشورهای اسلامی و جنبش غیرمتعهدها که در موضوع فلسطین اختلاف نظر کمتری دارند نباید اجازه دهند قطعنامه شورای امنیت به دهها قطعنامه دیگر سازمان ملل متحد بپیوندد، بلکه این کشورها و این سازمان‌های بین‌المللی باید سازمان ملل متحد را برای تدوین مجازات اسرائیل به خاطر ادامه سیاست‌های شهرک‌سازی در سرزمین‌های اشغالی در سطح جهانی و تعیین چارچوب زمانبندی شده برای شروع مذاکرات نهایی به منظور پایان یافتن اشغال سرزمین‌های فلسطین تحت فشار قرار دهند، زیرا سازمان ملل متحد نباید اجازه دهد که یک رژیم اشغالگر اراده خود را به جامعه جهانی تحمیل کرده و نسبت به قطعنامه‌های شورای امنیت بی‌احترامی کند و حتی کشورهای مخالف سیاست‌های توسعه طلبانه اسرائیل را تهدید کند.

واقعیت این است که اگر کشورهای عربی و اسلامی و نیز جنبش غیرمتعهدها اگر از فرصت به وجود آمده برای بسیج افکار عمومی جهان و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های جهانی به منظور متوقف کردن روند مخاطره آمیز اقدامات اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین استفاده نکنند، همین کشورهای غربی می‌توانند از کشورهای عربی و اسلامی گلایه کنند که برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های جهانی به منظور حل و فصل عادلانه مسئله فلسطین دست به کار نشدند و موضوع فلسطین را به یک شعار سمبلیک برای کسب مشروعیت اجتماعی و سیاسی تبدیل کردند.